

## بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

عرض شد که نکته پنجم در این مبحث این است که آیا اجرای اصول عملی در شبهات موضوعی مثل شبهات حکمی نیاز به فحص و جستجو دارد یا نه در شبهات موضوعی بدون فحص و جستجو می‌شود اصل عملی و برائت جاری کرد؟ این بحث بسیار مفید است و در مباحث فقهی بسیار کاربرد دارد. ابتدا چند مثال اشاره کنیم:

**مثال اول:** صوتی مشکوکی را فرد می‌خواهد بشنود، شک دارد آیا این سرود مثلاً غنا است یا نه؟ این شبهه موضوعی است. آیا قبل از فحص می‌تواند حدیث رفع جاری کند یا نه باید برود جستجو کند؟

**مثال دوم:** زید تاجر نمی‌داند مستطیع است یا نه؟ شک در استطاعت دارد، شبهه موضوعی است. آیا قبل از جستجو و حساب اموال و سرمایه و سود، می‌تواند با تمسک به یک اصل عملی استطاعتش را منتفی کند؟ بگوید دو سال یا سه سال قبل مستطیع نبودم و استصحاب کند عدم استطاعت را یا بگوید دو سال قبل حج بر من واجب نبود، استصحاب عدم وجوب حج جاری کند؟

**مثال سوم:** سحر ماه مبارک رمضان است، سحری می‌خورد، شک دارد آیا اذان فجر شده است تا امساک واجب باشد یا نه اذان فجر نشده است؟ آیا می‌تواند بدون جستجو و با تمسک به اصول عملی وظیفه‌اش را تشخیص بدهد یا نه مثل شبهات حکمی ابتدا باید جستجو کند؟

**مثال چهارم:** سال خمسی مکلف است، شک دارد مازاد بر مئونه دارد یا ندارد؟ حالا می‌تواند با یک کلیک حسابش را جستجو کند، بگوید ان شاء الله چیزی ندارم. بدون جستجو به نحوی اصول عملی جاری کند و عدم وجوب خمس را نتیجه بگیرد.

بنابراین آیا قبل از فحص در شبهات موضوعی اصول عملی جاری است یا نه؟

چند نظریه است:

**نظر اول:** در شبهات موضوعی مطلقاً بر خلاف شبهات حکمی فحص و جستجو لازم نیست و قبل از فحص می‌شود اصل عملی جاری کرد، مطلقاً در مقابل تفصیل دیگر است. که از کلمات بعضی از اصولیان از جمله **محقق خویی** استفاده می‌شود.<sup>۲</sup>

**نظر دوم:** تفصیل **صاحب معالم** است، از کلمات **صاحب قوانین** هم فی الجمله ظاهر می‌شود که می‌فرمایند در شبهات موضوعی تحریمی فحص و جستجو لازم نیست ولی در شبهات موضوعی وجوبی فحص و جستجو لازم است. مثلاً در بحث شبهه غنا **صاحب معالم** می‌فرمایند فحص لازم نیست ولی در مثال سوم و چهارم بحث شک در اذان فجر و سال خمسی، فحص و جستجو لازم است.<sup>۳</sup>

**نظر سوم:** نظر **شیخ انصاری** است، ایشان می‌فرمایند در اغلب شبهات موضوعی فحص لازم نیست، چه شبهه وجوبی باشد یا تحریمی باشد، ولی موارد خاصی داریم که تکلیف مولا به موضوعی تعلق گرفته است که طبیعت آن موضوع فحص را می‌طلبد.

ایشان می‌فرمایند طبیعت بعضی از موضوعات عرفاً بستگی به فحص و جستجو دارد، مثلاً مولا گفت «**اکرم اطباء البلد، فقهاء البلد، ادباء البلد**»، انسان به صورت عادی در زندگیش با چند نفر پزشک و ادیب و فقیه آشنا است ولی اطباء و فقهاء و ادباء بلد را اگر

<sup>۱</sup> - جلسه ۴۵ - مسلسل ۲۶۰ - یکشنبه - ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

<sup>۲</sup> - مصباح الأصول (طبع مؤسسة إحياء آثار السيد الخوئي) ؛ ج ۱ ؛ ص ۵۹۰: «الجهة السادسة: اشتراط الرجوع إلى الاصول العملية بالفحص مختص بالشبهات الحكمية، لاختصاص دليله بها. و أما الشبهات الموضوعية، فلا يكون الرجوع إلى الأصل فيها مشروطاً بالفحص، بل يجوز الرجوع إليها و لو قبل الفحص، لاطلاق أدلتها و عدم جريان الوجه التي ذكرت لوجوب الفحص في الشبهات الحكمية هاهنا».

<sup>۳</sup> - مقرر: مقصود از این عبارات فهمیده می‌شود - معالم الدين و ملاذ المجتهدين ؛ ص ۲۰۱: «و القول باشتراط العدالة عندي هو الأقرب لنا أنه لا واسطة بحسب الواقع بين وصفي العدالة و الفسق في موضع الحاجة من اعتبار هذا الشرط لأن الملكة المذكورة إن كانت حاصلة فهو العدل و إلا فهو الفسق و توسط مجهول الحال إنما هو بين من علم فسقه أو عدالته و لا ريب أن تقدم العلم بالوصف لا يدخل في حقيقته و وجوب التثبت في الآية متعلق بنفس الوصف لا بما تقدم العلم به منه و مقتضى ذلك إرادة البحث و التفحص عن حصوله و عدمه أ لا ترى أن قول القائل أعط كل بالغ رشيد من هذه الجماعة مثلاً درهما يقتضي إرادة السؤال و الفحص عن جمع هذين الوصفين لا الاقتصار على من سبق العلم باجتماعهما فيه». - القوانين المحكمة في الأصول (طبع جديد) ؛ ج ۲ ؛ ص ۴۷۰: «و بالجملة، تقدم العلم بالوصف لا مدخلية له في ثبوت الوصف، و الواجبات المشروطة بوجود شيء، إنما يتوقف وجوبها على وجود الشرط لا على العلم بوجودها، فبالنسبة إلى العلم، مطلق لا مشروط، مثل أن من شك في كون ماله بقدر استطاعة الحج لعدم علمه بمقدار المال، لا يمكنه أن يقول: إني لا أعلم أنني مستطيع، و لا يجب علي شيء، بل يجب عليه محاسبة ماله ليعلم أنه واجد للاستطاعة أو فاقد لها. نعم، لو شك بعد المحاسبة في أن هذا المال هل يكفي في الاستطاعة أم لا، فالأصل عدم الوجوب حينئذ. فمقتضى تطبيق الحكم على المتصف بوصف في نفس الأمر لزوم الفحص، ثم العمل على مقتضاه. فإذا قيل: أعط كل بالغ رشيد من هذه الجماعة درهما، يقتضي إرادة السؤال عن من جمع الوصفين لا الاكتفاء بمن علم اجتماعهما فيه، و يؤيده التعليل المذكور في الآية، فإن الوقوع في الندم يحصل بقبول خير من كان فاسقاً في نفس الأمر و إن لم يحصل العلم به فيه».

کسی بخواهد استقصاء کند، احتیاج به فحص دارد و بدون جستجو نمی‌شود. لذا **شیخ انصاری** می‌فرماید اگر موضوع، موضوعی است که به طبیعت حال خودش فحص می‌خواهد اینجا فحص لازم است ولی در سایر موضوعات فحص لازم نیست<sup>۴</sup>.

**نظر چهارم:** گفته می‌شود شبهات موضوعی بر دو قسم است، فرق نمی‌کند وجوبی یا تحریمی باشد، گاهی فحص و جستجو از آنها احتیاج دارد به مقدمات زیادی، من بخواهم غنا را بفهمم یعنی چه؟ با این همه اختلافات و نظرات باید شش ماه درس بخواند تا بفهمد غنا یعنی چه؟ قیود مختلفی دارد، اگر فهم موضوع و فحص احتیاج به مقدمات زیادی دارد، اینجا فحص لازم نیست و با اصول عملی وظیفه‌ش را مشخص کند ولی اگر شناخت موضوع و فحص از او احتیاج به مقدمات زیادی ندارد به تعبیر **محقق حائری** مؤسس گاهی تشخیص این موضوع در آستین مکلف است. مثل تشخیص فجر، این قائل می‌گوید اگر فحص از موضوع احتیاج به مقدمات فراوان ندارد و به مجرد یک توجه برای انسان حاصل می‌شود اینجا جستجو لازم است ولی اگر احتیاج به مقدمات زیادی دارد جستجو لازم نیست.

**مثال:** زید شک دارد آیا به عمرو مدیون است یا مدیون نیست؟ می‌تواند با یک نگاه به دفترش وظیفه‌اش را روشن کند، اینجا قائل به این قول می‌گوید باید فحص کند و حق ندارد بدون فحص اصول عملی جاری کند.

**محقق نائینی** نظیر این تفصیل مطلبی را دارند، ایشان می‌فرمایند گاهی در شبهات موضوعی مقدمات علم به موضوع تمام است فقط یک نظر می‌خواهد و سایر مقدمات درست است، اینجا فحص لازم است و قبل از آن نظر نمی‌تواند تمسک به اصول عملی داشته باشد ولی اگر در شبهات موضوعی مقدمات علم به موضوع تمام نیست، فحص لازم نیست<sup>۵</sup>.

در تنقیح این مبحث دو مرحله بحث داریم:

**مرحله اول:** مقتضای ادله اولی در اصول عملی چیست؟ صرف نظر از ادله خاص. ببینیم آیا از ادله اصول عملی ما چه استفاده می‌کنیم، آیا مثل شبهات حکمی، در شبهات موضوعی فحص لازم است یا نه؟ در این مرحله هم دو بحث داریم، برائت عقلی و برائت نقلی، ما از ادله عام چه استفاده می‌کنیم؟ آیا در شبهات موضوعی قبل از فحص برائت عقلی جاری است یا نه؟ و آیا در شبهات موضوعی قبل از فحص برائت شرعی جاری است یا نه؟

**مرحله دوم:** بر فرض اینکه ما ثابت کردیم طبق ادله اولی در شبهات موضوعی مثل شبهات حکمی فحص لازم است، آیا مقتضای ادله خاص چیست؟ آیا دلیل خاصی داریم که بگوید در شبهات موضوعی مطلقاً یا در موارد خاص فحص لازم نیست. ادامه بحث بعد از تعطیلات دهه فاطمیه خواهد آمد.

۴ - فرائد الاصول ؛ ج ۲ ؛ ص ۵۲۴: «أما إجراء الأصل في الشبهة الموضوعية فإن كانت الشبهة في التحريم فلا إشكال ولا خلاف ظاهراً في عدم وجوب الفحص ويدل عليه إطلاق الأخبار .... وإن كانت الشبهة وجوبية فمقتضى أدلة البراءة حتى العقل كبعض كلمات العلماء عدم وجوب الفحص أيضاً وهو مقتضى حكم العقلاء في بعض الموارد مثل قول المولى لعبده أكرم العلماء أو المؤمنين فإنه لا يجب الفحص في المشكوك حاله في المثاليين إلا أنه قد يترأى أن بناء العقلاء في بعض الموارد على الفحص والاحتياط كما إذا أمر المولى بإحضار علماء البلد أو أطبائهم أو إضافتهم أو إعطاء كل واحد منهم دينارا فإنه قد يدعي أن بناءهم على الفحص عن أولئك وعدم الاقتصار على المعلوم ابتداء مع احتمال وجود غيرهم في البلد».

۵ - أجود التقريرات ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۴۰: «و قد عرفت أيضاً ان المراد من الفحص الساقط وجوبه هو تحصيل مقدمات العلم و اما إعمال القوة المدركة مع حصول المقدمات بنفسها بحيث لا يحتاج فعلية العلم الا على النظر فالظاهر وجوبه بل قد عرفت انه كلما يتوقف فعلية العلم بالتكليف في العادة عليه فلا محالة يكون واجبا و ان كان داخلا في الفحص و كان خارجا عن عنوان النظر» - فرائد الاصول ؛ ج ۴ ؛ ص ۳۰۲: «ثم لا يخفى: أن عدم وجوب الفحص في الشبهات الموضوعية إنما هو فيما إذا لم تكن مقدمات العلم حاصلة بحيث لا يحتاج حصول العلم بالموضوع إلى مزيد من النظر في تلك المقدمات، فإن في مثل هذا يجب النظر ولا يجوز الاقتحام في الشبهة- وجوبية كانت أو تحريمية- إلا بعد النظر في المقدمات الحاصلة، لعدم صدق الفحص على مجرد النظر فيها».